

حال و هوای نخستین اعتکاف
دانش آموزان سمپادی استان

شعری برای خدا



فاطمه سیرجانی پشت در حسینه حضرت زهرا (س)، انبوهی از کفش‌ها مرتب چیده شده است و صدای مناجات خوانی شنیده می‌شود. سالن حسینه حدود سیصد چهارصد متر است که دور تادورش دختران نوجوان نشسته‌اند و خانمی بالای سن، بعد از اینکه مناجات خوانی را به پایان می‌رساند، جملائی در باره ارتباط با خدای گوید. اینجاقرار است سه روز دختران نخبه شهر و استانمان با خدای خود خلوت کنند؛ مراسم اعتکافی که اداره استعداد های درخشان آموزش و پرورش با همراهی آستان قدس رضوی برای ۳۵۰ دانش آموز دختر و پسر نخبه سمپادی در ایام البیض تدارک دیده است.

منطقه



مشهد و شهرهایی چون تربت جام، گناباد، نیشابور و... است. به گفته سرپرست ثابت و مدیر این مراسم، اعتکاف دانش آموزان سمپادی استان برای نخستین بار است که برگزار می‌شود. به آبدادی، معاون پرورشی دبیرستان فرز انگان ۵، در ادامه می‌گوید: امسال خدا توفیق داد برنامه هماهنگ اعتکاف را برای دانش آموزان نخبه سرتاسر استان خراسان رضوی برگزار کنیم. او در توصیف این مراسم می‌گوید: اخلاص، ایمان و صفای قلبی که من در این سه شب از دختران گلم دیدم، توصیف ناپذیر است. گاه در دل شب می‌دیدم عزیزی یک گوشه دنج را اختیار کرده و در حالی که چادر به صورت کشیده است، اشک می‌ریزد و با خدای خودش راز و نیاز می‌کند. دیدن گدعه‌ها و جمع‌هایی با موضوع مباحثه دینی و عرفانی و به چالش کشیدن تا رسیدن به نتیجه منطقی، زیبایی شب‌هایی بود که پشت سر گذاشتیم. به آبدادی که از یک روز قبل از شروع مراسم اعتکاف در حسینه حضور دارد، از فردا شب که شب جدایی است، می‌گوید دلی که از حالا گرفته است، «رافقت و دوستی ای که در همین مدت کوتاه سه شبانه روز بین بچه‌ها ایجاد شده، عجیب دل چسب است و به همان اندازه جدایی، سخت. تک‌تک این دخترها که شاید اسم آن‌ها را ندانم، اما به چهره خوب می‌شناسمشان، مثل دختر خودم عزیز هستند.»

کم کم بچه‌ها در دسته‌های پنج‌شش‌تایی دور هم جمع می‌شوند برای خواندن دعا و نیایش و مناظره در باره موضوعی خاص و بحث و تبادل نظر در باره آن. از حسینه که بیرون می‌زنم، باران باریدن گرفته است؛ باران رحمت الهی که شاید یکی از دعا های معتکفان باشد برای بارش باران و برکت الهی در این سرزمین.

میان سال می‌گوید: در بهشت رضا (ع) بودیم. قرار بود فقط خبری از پرسا، نوه ام، بگیریم، اما قسمت شد که نماز را جماعت بخوانیم و سر سفره افطار میهمان ناخوانده‌شان شویم. او معتقد است که تجربه این برنامه‌ها و دورهمی‌های معنوی در سنین کم و در کنار گروه هم‌سن و سال‌هایی تواند در بارور کردن ارزش‌های دینی و مذهبی بچه‌ها بسیار تأثیرگذار باشد. پرسا با راحمدی، دانش آموز دبیرستان فرز انگان ۲، مشغول چیدن سفره است. مادر بزرگش صدایش می‌زند تا چند کلام هم از زبان خودش بشنویم. او اولین تجربه اعتکاف دانش آموزی اش با دوستانش را بسیار شیرین و خاطره‌انگیز می‌خواند و از اعتکاف چند سال قبلش در مسجد محله می‌گوید که خیلی سخت و کسل کننده گذشته است. «آن سه روز برخی بزرگ‌ترها، خیلی سخت می‌گرفتند. به همه کارمان کار داشتند و حتی خنده‌های ریزمان را حرمت شکنی به مکان مقدس مسجد می‌دانستند. خاطره خوشی از آن سه روز ندارم، اما اینجادر کنار نماز و دعا و نیایش، مباحثه داشتیم، مسابقه اجرا شد، تفریح و سرگرمی و بازی هم برقرار بود. این هادر کنار دوستان، اعتکاف معنوی پر خاطره‌ای را برای مارقم زد، به ویژه که همه بچه‌های سمپادی و نخبه بودند.»

در انتظار اعتکاف سال بعد

شلوغی و همه‌همه بعد از افطار هم ادامه دارد. بچه‌ها بعد از باز کردن روزه به مدت یک ساعت می‌توانند از گوشی‌هایشان استفاده کنند. در این فاصله دخترها با خانواده تماس می‌گیرند و حال و هوای مراسم اعتکاف را برایشان بازگو می‌کنند. دختر نوجوانی در حالی که برگه و خودکار آبی در دست دارد، به سمت می‌آید. می‌پرسد: شما خبرنگارید؟ با تأیید من، برگه را پیش روی می‌گیرد و می‌گوید: همین الان شعری گفتم که دوست دارم برایتان بخوانم. مناسب شعرم همین شب و روز هاست و بعد شروع می‌کند به خواندن: سه روز اینجا آشیانه مابود / این سه روز نوری در دل مابود / این سه روز بود بر پانماز / معتکفان می‌کردند با خدا راز و نیاز....

دختر نوجوان غزاله نام دارد. سیزده سال دارد و از مدرسه فرز انگان ۳ در این مراسم حاضر شده است. غزاله قهرمان رشته ژیمناستیک و دارنده چند مدال طلای کشوری در رده حرفه‌ای است. او هم حضور خدا را در اعتکافی که اولین تجربه اش است، بیشتر حس کرده است؛ حال خوشی که دوست دارد سال‌های دیگر در این ایام دوباره تجربه کند.

دورهمی خاطره‌انگیز برای سمپادی‌ها

راضیه به آبدادی را در حال سرزدن به بچه‌ها و پرس و جواز حال و احوال آن‌ها می‌بینم. او درباره این مراسم می‌گوید: در این برنامه حدود ۳۵۰ دانش آموز دختر و پسر نخبه در زمینه‌های علمی، هنری، ورزشی و... حضور دارند. حسینه مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی در این ایام، میزبان حدود ۱۳۰ دختر دانش آموز از مدارس فرز انگان

حس خوش معتکف شدن

قبل از آمدن به مراسم می‌دانستم خانم «به آبدادی» سرپرست و مدیر آن است. پیدا کردن او در آن جمعیت، کار آسانی نیست. برای دقایقی برق‌ها خاموش می‌شود. آسمانی آبی با ابرهای سفید که بخشی از تزئینات مسجد است، روی سقف روشن می‌ماند. برای دودقیقه سکوت برقرار می‌شود تا بچه‌ها با خدای خودشان در دل حرف بزنند. برخی نگاه‌ها و دست‌ها به سمت آسمان آبی است و عده‌ای چادر به صورت کشیده‌اند و اشک می‌ریزند. چراغ‌ها که روشن می‌شود، صدای پیش خوانی اذان، فضا را پر می‌کند. ولوله‌ای به راه می‌افتد. عده‌ای شروع به انداختن سفره و مهبیا کردن بساط افطار می‌کنند و عده‌ای دیگر در قسمت جلو حسینه مشغول پهن کردن سجاده‌های نماز هستند.

نرگس چهارده ساله از نیشابور به همراه دوستانش، زینب و نگار آمده است. او که اولین حضور در مراسم اعتکاف را تجربه می‌کند، همان طور که برای خواندن نماز اول وقت آماده می‌شود، می‌گوید: از حس و حال خوب این مراسم زیاد شنیده بودم، اما چیزهایی در همین یک روز و نیم حضورم در این مراسم تجربه کردم که توصیف ناپذیر است. نرگس که دارنده مدال برنز کشوری در رشته کاراته و جزو برترین‌های دبیرستان فرز انگان نیشابور است، ادامه می‌دهد: من در سرتاسر زندگی حضور خدا را حس می‌کنم و سعی کرده‌ام ارتباط خوبی با خالقم داشته باشم، اما اینجا تازه فهمیدم معتکف شدن و خلوت با خدا یعنی چه. علاوه بر نرگس که از نیشابور میهمان شهر امام رضا (ع) است، یاسمین، نگار، فاطمه، زهرا و حسنا، کوثر و... هم از تربت جام، گناباد و تربت حیدریه به این مراسم دعوت شده‌اند تا بعد از سه روز عاشقی، نایب‌الزیا به ملتسمان دعا در حرم امام رضا (ع) هم باشند.

با خاطره خوش می‌رویم

بعد از اقامه نماز جماعت، دخترها برای باز کردن روزه پای سفره افطار می‌نشینند. از مادعوت می‌شود سر سفره مربی‌ها و خدمتگزاران به معتکف‌ها بنشینیم. زن جوانی که روبرویم نشسته است، می‌گوید: کاش ماهم در نوجوانی این تجربه‌ها را داشتیم. زن میان‌سالی که تازه نمازش تمام شده است، کنار زن جوان می‌نشیند. آن‌ها مادر و مادر بزرگ یکی از دخترها هستند. بی‌آنکه چیزی بپرسم، زن

